



### معرفی دیوان منسوب به امام حسین(ع)

دیوان منسوب به سیدالشهدا(ع) که مجموعه‌ای از احادیث نبوی درباره امام حسین(ع) و همچنین اشعار منتسب به ایشان است، توسط خانه فرهنگ گل‌ها در قالب یک ویدئوکلیپ معرفی شد. این دیوان حدود دو دهه پیش از سوی یک پژوهشگر عرب به نام محمد عبدالرحیم منتشر شده است. علاقه‌مندان می‌توانند این ویدئو و ویدئوی دیگری به مناسبت اربعین را در حساب کاربری اینستاگرام خانه فرهنگ گل‌ها farhangsara\_sarv مشاهده کنند. /مهر



### برنده نوبل ادبیات و شاعر جوان ایرانی

پیمان خاکسار یکی از مترجمان کشورمان که کتاب‌هایی چون «جز از گل» را در کارنامه دارد، معتقد است شعرهای لوییز گلوک، برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۰ ساده و معمولی هستند و عقیده دارد که شعرهای شاعران جوان ایرانی از شعرهای اوقشتگ‌تر است. خاکسار به ایسنا گفته: نمی‌دانم گلوک را از کجا پیدا کردند!/ایسنا



کتاب ابوباران در حوزه هنری رونمایی شد / عکس: چاووش همدانی - جام جم

### کتاب ابوباران روایتی از خاطرات رزمنده شهید مدافع حرم افغانستانی در حوزه هنری رونمایی شد

# ابوباران آمد

ادامه از صفحه ۹

مهمانان به جبر کرونا به فاصله نشسته‌اند. سربازانی با چهره‌های آفتاب سوخته و چشم‌های بادامی، پرچم زردرنگ تیپ فاطمیون را در دست دارند و دو طرف سالن ایستاده‌اند. عکاسان در گوشه و کنار آماده ثبت لحظه‌ها هستند. مراسم رونمایی با دقت و مراقبت انجام می‌شود و مهمانان از دو دسته‌اند: مردان جهاد و اهالی کلمه و قلم. مثل هر رویداد دیگری در این سرزمین بزرگ، رونمایی از «ابوباران» هم با سرود ملی کشورمان آغاز می‌شود؛ با چند سخنرانی و نمایش نماآهنگ به اصل مطلب می‌رسد اما یکی دو مورد حاشیه‌ای هم اتفاق می‌افتد.

#### بوسه سردار بر دستان سربازان

سردار محمدرضا فلاح‌زاده، معاون هماهنگی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مهمانان ویژه مراسم رونمایی از کتاب «ابوباران» است که سخنانش را در معرفی تیپ فاطمیون آغاز می‌کند؛ تیبی که تشکیل شده از رزمندگان افغانستانی مدافع حرم. سردار فلاح‌زاده می‌گوید: این فاطمیون که یکی از آنها شده مصطفی نجیب یا ابوباران، که بوده‌اند؟ آنها مدعیان دروغین خلافت یعنی داعش، النصره و... را خوب شناخته‌اند و زیر پرچم اسلام به فرماندهی رهبر انقلاب و حاج قاسم سلیمانی به جنگش رفتند. مردان حق در جبهه حقی که در صدر آن سیدالشهدا(ع) و محمد رسول(ص) ایستاده سازماندهی شدند و به جنگ اسلام آمریکایی رفتند. طبق تعریفی که سردار فلاح‌زاده ارائه می‌کند، فاطمیون اسلام خرافه، واپسگرا، اموی و اسلام بنی عباسی را که در یک کلام همان اسلام آمریکایی است، شناختند و اسلام ناب را بر آن ترجیح دادند. این فرمانده توضیح می‌دهد که اسلام آمریکایی همان اسلام سعودی سنتی و نوپن یعنی القاعده، داعش، النصره و... است و اسلام ناب همان اسلامی است که امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب مبلغ آن هستند. معاون هماهنگی نیروی قدس سپاه ادامه می‌دهد: وقتی فاطمیون می‌خواستند به اردوگاه جبهه حق بروند، به غیر از خدا به چیزی نمی‌اندیشیدند. آنها در ایران تابلو، سازمان، لشکر، تلویزیون و رسانه‌ای نداشتند و فضای مجازی هم آن موقع کاربردی برایشان نداشت. حتی اگر تبلیغاتی هم برایشان می‌شد، دچار مشکل می‌شدند. پس فقط و فقط برای رضای خدا و اعتقادشان رفتند. سردار فلاح‌زاده برای تأیید در خالص بودن نیت مدافعان حرم،

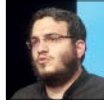


ادامه می‌دهد که مگر می‌شود کسی به جبهه بیاید و با جان خودش بازی کند؛ برای قدرت، ثروت، شهرت یا شهوت؟ حتی اگر سلطنت عالم را به کسی بدهند و بگویند بعدش بیا سرت را بپریم، فکر نمی‌کنم بخواهد به معرکه خطر برود. بعد از اثبات خلوص رزمندگان تیپ فاطمیون مدافع حرم، نوبت آن می‌رسد که سردار درباره یکی دیگر از ویژگی‌های رزمندگان این تیپ بگوید و توضیح بدهد که آنها به دستور ولی خدا پای به میدان نبرد گذاشتند. فلاح‌زاده در این باره گفت: اگر کسی به غیر از دستور ولی خدا به معرکه نبرد برود، مجروحش جانباز نیست و کشته‌اش هم شهید محسوب نمی‌شود. ویژگی بعدی آنها بصیرت‌شان بود که دشمن را خوب شناختند و جغرافیای دشمن را هم درک کردند. آنها می‌دانستند ممکن است اسیر شوند اما وظیفه را شناخته و به آن عمل کردند و تعدادی از آنها هم با مظلومیت تمام به شهادت رسیدند.

معاون هماهنگی نیروی قدس سپاه در ادامه به نقش فاطمیون، زینبیون و حزب‌ا... در آزادسازی منطقه بوکمال که آخرین قلعه داعش بود، اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: حاج قاسم سلیمانی در بوکمال و در جمع این رزمندگان از آنها تشکر کرد و گفت شما قلب ولی امر و رهبر انقلاب را شاد کرده‌اید، من دست شما را می‌بوسم و اگر اجازه می‌دادید بر پایتان بوسه می‌زدم.

#### نلسی برای انتقام سخت

محمدمهدی دادمان، رئیس حوزه هنری که هم مهمان و به نوعی میزبان مراسم رونمایی از کتاب «ابو باران» است، به پنهان انتشار این کتاب، از سردار سلیمانی می‌گوید و تشریح می‌کند: سختی و درد فراق حاج قاسم فقط برای همزمانش نیست؛ نسل ما با این‌که خیلی کنار حاج قاسم نبود ولی دل‌داده اوست. ما هم مثل کسانی که در سال‌های جنگ کنار او بوده‌اند، از این‌که او بین ما نیست دردمان آمده و می‌سوزیم.



رئیس حوزه هنری تأکید می‌کند: نسل ما به انگیزه انتقام خون حاج قاسم زنده است و می‌دانیم که انتقام خون او به انتقام نظامی خلاصه نمی‌شود. البته اقدام نظامی محکم‌تری هم خواهد بود، اما خون حاج قاسم به احیای جریان مقاومت در منطقه و اخراج نیروهای اشغالگر می‌انجامد. خون حاج قاسم سلیمانی به احیای جریان مقاومت، اخراج آمریکایی‌ها از منطقه و حذف غده سرطانی اسرائیل خواهد انجامید و نسل ما به انگیزه انتقام خون حاج قاسم زنده است. دادمان در پایان حرف‌هایش تأکید می‌کند: رفتن آمریکا از

منطقه خاورمیانه، حذف غده سرطانی اسرائیل در منطقه از عوارض خون با برکت حاج قاسم سلیمانی هستند که قطع به یقین و به فضل الهی محقق خواهند شد.

#### صاحب ادبیات مدافعان حرم شدیم



مرتضی سرهنکی نویسنده، پژوهشگر و مشاور انتشارات خط مقدم که کتاب «ابوباران» را منتشر کرده، از اولین سخنرانان مراسم است و به یک رویداد در حال وقوع اشاره می‌کند.

سرهنکی در آغاز به خود کتاب می‌پردازد و می‌گوید: «ابو باران» یکی از کتاب‌هایی است که درهایی از جنگی را به روی ما باز می‌کند که هزاران کیلومتر دورتر از ما اتفاق افتاده است. رازی آن ذاتا قصه‌گو است و کم اتفاق می‌افتد راوی‌ای اینقدر علاقه‌مند به بیان گذشته‌شان باشند، چون معمولاً سربازها دیر به گذشته خود برمی‌گردند، اما راوی این کتاب علاقه‌مند به قصه‌گویی است. به اعتقاد این پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس، سرباز جنگ‌دیده مرجعی با تجربه است و می‌توان از تجربه‌هایش استفاده کرد. سرهنکی توضیح می‌دهد: وقتی سرباز ما خودش ذاتا قصه‌گو باشد، کار راحت‌تر و قصه با جزئیات بیشتری بیان می‌شود. این موضوع در کتاب «ابو باران» دیده می‌شود و اگر قرار بود تمام ماجرا به طور مشروح گفته شود این سرباز سینه مشروحی داشت. سرهنکی این طور مقدمه‌چینی می‌کند که استناد متکی به اعتنا است و نمی‌شود صرفاً استاندارد را طوری بیان کرد که جذاب نباشد و نتیجه می‌گیرد که اعتنا در گرو جذابیت است. متن باید طوری نوشته شود که اعتناپرداز باشد، در اینجااست که نقش نویسنده معلوم می‌شود. او با همین اشاره درباره کتاب «ابو باران» توضیح می‌دهد: اگر با اصطلاحات برداران افغانستانی مان بیشتر آشنا می‌شدیم کتاب امتیاز بهتری داشت، چون ما به عنوان مخاطب به هویت قومی راوی نیازمندیم. هم نویسنده و هم راوی کتاب به خوبی کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. اما ای کاش به اصطلاحات و ادبیات افغانستانی بیشتر پرداخته می‌شد.

بعد از همه این توضیحات است که مرتضی سرهنکی به عنوان کسی که اولین قدم‌ها را برای ثبت خاطرات رزمندگان برداشته است. علاوه بر گردآوری آنها، بسیاری از رزمندگان و نیز اسرای عراقی در ایران را به نوشتن خاطراتشان تشویق کرده، به همان رویداد در حال وقوع اشاره می‌کند. او می‌گوید: ما به تازگی صاحب ادبیات دیگری به نام ادبیات مدافعان حرم شده‌ایم و امیدوارم این ادبیات را هم مثل ادبیات جنگ خودمان به سروسامان برسانیم.

### همکاری شما با آقای مصطفی نجیب و نگارش این کتاب چطور اتفاق افتاد؟

انتشارات خط مقدم با من تماس گرفتند و گفتند قصه دارند کتابی از خاطرات آقای نجیب منتشر کنند. نوشتن کتاب را به من پیشنهاد کردند و من هم قبول کردم. مصاحبه‌ها و نگارش کتاب را همزمان پیش بردیم و شش ماه بعد از شروع کار، کتاب آماده انتشار شده بود. طبق معمول هر کتاب دیگری زمانی صرف ویرایش و صفحه‌آرایی و طراحی جلد و باقی قضایا شد و حالا این کتاب در دسترس علاقمندان قرار دارد.

**در صحبت‌های مراسم رونمایی، اشاره کردید که فرمانده نجیب بسیار صریح صحبت می‌کنند و از گفتن ضد و نقیض‌ها پرهیز نمی‌کنند. در این باره توضیح می‌دهید که منظور شما از صراحت لحن ایشان چیست؟**

آقای نجیب بسیار صریح هست به این معنی که ابایی نداشت احساسات ضد و نقیض یک رزمنده را بیان کند. در فصلی از کتاب شرح می‌دهد که رزمندگان با آگاهی و از خودگذشتگی به عنوان خط‌شکن در یک عملیات شرکت می‌کنند و موفق هم می‌شوند اما در کمین جبهه النصره قرار می‌گیرند و همین سبب می‌شود که عده‌ای از رزمندگان شهید شوند و بقیه شاهد شهادت همزمان و دوستانشان باشند. بازماندگان از دیدن این رویداد هولناک، دچار حیرت و بهت می‌شوند. اتفاقاتی از این دست در نگاه آقای جنگ طبیعی باشد و آقای نجیب این بخش از جنگ، این حیرت و بهت رزمندگان را هم روایت می‌کردند و دلیلی نمی‌دید که آن را نادیده بگیرند چون معتقد هست که چنین حیرت‌ها و اتفاقاتی سبب نمی‌شود که رزمندگان را سرزنش کنیم یا به اعتقاداتشان خدشه وارد بدانیم؛ اتفاقاتی از این دست در نگاه آقای نجیب کاملاً طبیعی است و ایشان با صراحت اذعان می‌کرد در ذکر خاطرات جنگ هم باید از رشادت‌ها و قهرمانی‌ها حرف زد و هم از واقعیت‌های تلخ و دردآوری از این قسم.

**برای مخاطبی که قرار است این کتاب را بخواند، چه دنیایی را تصویر کرده‌اید و قرار است چه برداشتی از فضای جبهه دفاع از حرم ایجاد شود؟**

فکر می‌کنم کتاب مخاطبیش را با یک قهرمان زنده، واقعی ولی کم‌نام آشنا می‌کند. اندیشه‌های او، روحیات و اعتقاداتش را می‌شناسد و نیز فرصت خوبی است برای این‌که مخاطب از لایه‌لای خاطرات آقای نجیب با تیپ فاطمیون آشنا شود. این‌که رزمندگان این تیپ با چه سختی‌ها و مشکلاتی مواجه بوده و هستند، در نبردشان چه نوعی به خرج می‌دهند و در شکل دادن



زهرآثابتی نویسنده کتاب ابوباران در گفت‌وگو با جام جم

### رزمنده‌ای زیر باران

زهراسادات آثابتی نویسنده کتاب «ابو باران» در مراسم رونمایی از این کتاب متنی را که از پیش نوشته برای حضاران می‌خواند و مصطفی نجیب را فرمانده تیپ امام حسین لشکر فاطمیون معرفی می‌کند که پیش از اعزام به سوریه در ارتش افغانستان حضور داشته است. ثابتی توضیح می‌دهد که فرمانده نجیب هرگز در ذکر خاطراتش کسی را سرزنش نکرده و در مواجهه با مشکلات ابتکار عمل را به دست می‌گرفته که مشکلات را حل کند. او همچنین توضیح می‌دهد لحن مصطفی نجیب صریح و بی‌قرار است. در توضیح این نکته اشاره می‌کند که نجیب از ذکر تفاض‌ها در جنگ ابایی ندارد و صادقانه تمام حقایق را همان‌طور که رخ داده بود، تشریح کرده است. وی درباره مصطفی نجیب به یک نکته دیگر هم اشاره می‌کند و آن استفاده از ضمیر «ما» است که بعد از تلاش بسیار هم نتوانسته، ضمیر من را جایگزین ما گفتن‌های فرمانده نجیب کند. نویسنده کتاب «ابو باران» معتقد است نگاه مصطفی نجیب به شهادت هم نگاه ویژه‌ای است و توضیح می‌دهد هر چند از شهادت ابوحامد، فرمانده فاطمیون داغدار شده بود اما در عین حال معتقد بود اگر ابوحامد و دوستانش شهید نمی‌شدند در حقیقت اجحاف می‌شد. بدون تردید کتاب خاطرات رزمنده‌ای با چنین نگاهی خواندنی است و نیز تجربه زهرآثابتی در نوشتن این کتاب هم می‌تواند شنیدنی باشد؛ او بخش کوتاهی از این تجربه را با ما در میان گذاشته است.

**تیپ فاطمیون چه نگاه آرمانی و خالصانه‌ای داشته‌اند. شما پیش از این، کتاب «متولد ۹ دی» را نوشته‌اید که زندگی‌نامه داستانی شهید فاطمه امیری است. همین کتاب باعث شد که نوشتن خاطرات آقای نجیب را هم به شما بسپارند؟**  
احتمالاً همین‌طور بوده. ضمن این‌که من در مشهد زندگی می‌کنم آقای نجیب هم ساکن مشهد هستند. خانم امیری هم از شهدای انقلاب اسلامی در مشهد بودند.  
**اگر قرار باشد مقایسه‌ای از این دو کتاب و نیز دو رزمنده‌ای که درباره‌شان نوشته‌اید، ارائه کنید، چه موارد قابل اعتنایی درباره هر کدام وجود داشته است؟**

در کتاب اولم، مصاحبه‌های موجود را مطالعه کردم و مصاحبه‌های تکمیلی را انجام دادم. یعنی دسترسی به موضوع کتاب وجود نداشت. بنابراین باید او را از لایه‌لای نوشته‌ها و توضیحات دیگران می‌شناختم و در نهایت کتاب باید به صورت یک زندگی‌نامه داستانی منتشر می‌شد. بنابراین تخیل من تا جایی که به اصل ماجرا لطمه وارد نکند، دخالت می‌کرد و نقش داشت اما کتاب «ابوباران» کاملاً مستند نوشته شده است. هیچ دخل و تصرفی در بیان خاطرات صورت نگرفته و از ابتدا تصمیم بر این بوده که کاملاً مستند باشد، حتی توضیقاتی که در کتاب می‌بینید، به تأیید آقای نجیب رسیده است.

**درباره اسم کتاب توضیح می‌دهید که ماجرای آن چیست؟**  
ابوباران لقبی است که به آقای نجیب داده‌ام و علت این انتخاب و نامگذاری در پشت جلد کتاب آمده است. در میانه نبردها و مبارزات، وقتی که سوریه کمی آرامش را تجربه می‌کرد، فرصت فراهم شد که خانواده رزمندگان بتوانند برای دیدار با عزیزانشان و نیز برای زیارت به سوریه سفر کنند. در این فرصت همسر آقای نجیب باردار بودند و دختری که راه بود که هنوز اسمی برایش انتخاب نکرده بودند. هواییمی حامل همسر آقای نجیب تاخیر داشت و او بسیار دلواپس بود. فرمانده مقرر به آقای نجیب می‌گوید که هوا بارانی است و در هوای بارانی دعاها بهتر مستجاب می‌شود. او آقای نجیب را تشویق می‌کند زیر باران برود و دعا کند که همسر و فرزندش سالم و سلامت برسند. لفظاتی که آقای نجیب زیر باران به نیایش و دعا گذرانده بودند و حال غریبی که داشتند، سبب شد بعد از تولد فرزند، نام باران را برایش انتخاب کند. من هم به همین بهانه عنوان ابوباران را برای آقای نجیب در نظر گرفتم و با موافقت خودش این اسم را روی کتاب گذاشتم.